اشاره

مردم لبنان که سال‌هاست از سیاســـتمداران فاسد و دولت‌های ناتوان در رنج هستند، بالاخره به خیابان‌ها آمدند و خواستار خانه تکانی عرصه سیاسی این کشور از چهره‌های فاسد و نا کارآمد هستند.

این خواسته لبنانی‌ها(مثل مردم عراق)، کاملا بحق است و کسی نمی‌تواند نسبت به آن متعرض شود. اما، این را نیز کسی نمی‌تواند نادیده بگیرد که، فرصت برای موج سواری هم فراهم می‌شود، آن هم توسط جریان‌هایی که در خیانت به این کشور، کارنامه سیاهی دارند.

در خارج هم کشورهایی که دشمنی خود را با مردم لبنان اثبات کرده‌اند، شرایط را برای ضربه‌زدن به مردم لبنان و حزب‌الله، مساعد دیدند.

همین مسئله، دغدغه اصلی جنبش حزب‌الله لبنان و رهبر آن بوده و هست. نویسنده مقاله حاضر برای فهم بهتر موضع حزب‌الله، بخش‌هایی از دو سخنرانی سید حسن نصرالله ، پیش از استعفای نخست‌وزیر و پس از آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

سرویس خارجی

نگاهی به سخنرانی‌های اخیر سید حسن نصرالله

اعتراضات علیه فساد سیاسی در لبنان و دوراندیشی حزب‌الله

امین الاسلام تهرانی

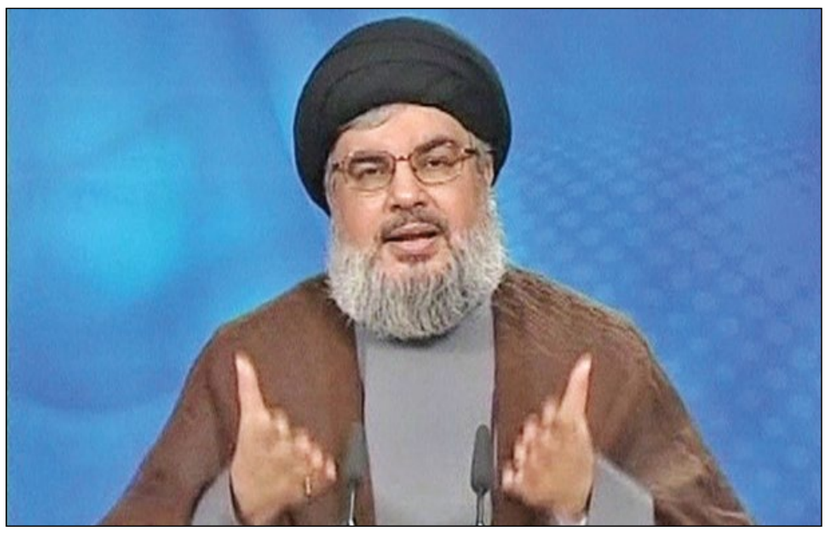

ساختار سیاسی لبنان

لبنان یکی از پایگاه‌های تاریخی تشـیع است و امروز نیز حدود ۳۰ درصد جمعیت آن، شیعیان هستند. لبنان مقر مقاومت و جنبش حزب‌الله اســت، همچنین، هم مرز با رژیم صهیونیستی هم هست. تمام این‌ها کفایت می‌کند که لبنان همواره دارای اهمیتی فراوان باشد، هم برای ما و هم برای دشمنان ما. فضای سیاسی این کشور شدیداً متأثر از فضای چندپارهٔ قومیتی و مذهبی آن اســت، از شیعیان که با ورود امام موسی صدر به لبنان قدرت و عزت خود را بازیافتند و نه تنها در لبنان که در کل منطقه و به تبع آن در کل جهان نقشی تأثیرگذار پیدا کرده‌اند، تا اهل سنت و مسیحیان و... سال‌ها پیش نیز قانون اساسی این کشور، قدرت در لبنان را با توجه به این چندپارگی تقســیم کرد تــا از اختلافات مذهبی و قومی جلوگیری کند و در عمل این چندپارگی را وارد ساختار حکومتی این کشور کرد.

به موجب قانون اساســی این کشور، رئیس‌جمهور از میان مسیحیان، نخست وزیر از اهل سنت و رئیس‌مجلس از شــیعیان انتخاب می‌شود. این قانون شاید از اختلافات مذهبی و قومی جلوگیری کند، اما گاهی شکل‌گیری یک دولت قدرتمند را با مشکل جدی روبرو می‌کند و مصلحت عمومی را در مسلخ کشمکش‌های بین جریان‌های داخلی قدرت قربانی می‌کند. نتیجه این وضع چه می‌شود؟ این‌که اکنون بسیاری مبتلا به فقر و بیکاری‌اند، روزانه در بعضی مناطق قطعی برق ۱۲ ساعته و بیشتر مردم را آزار می‌دهد، بعضی از نقاط شــهرها گاهی زیر زباله‌ها دفن می‌شــوند، حمل‌ونقل عمومی معیوب اســت، اقتصاد لبنان با افزایش بدهی ملی ۱۵۰درصدی مواجه شده و یک فهرست بلند از مشکلات دیگر را هم می‌توان در اینجا ردیف کرد.

ریشه‌های اعتراضات

اما فقر و مشــکلات یک وجه از ماجراست، وجه دیگر فســاد برخی سیاستمداران لبنانی است. تصور ما از لبنان گاهی به جبهه مقاومت در این کشــور محدود می‌شود و زندگی دیگر گردانندگان لبنان را با زندگی مردانِ مقاومت قیاس می‌گیریم، در حالی که چنین نیست. چندی پیش بــود که خبرِ چند میلیون دلاری که «ســعد حریری» به یک زنِ مدل داده بود، منتشر شد. البته از این سنخ خبرها زیاد به گوش می‌رســد، آن هــم در حالی که مردم لبنان در تنگنا هســتند. فقر و مشکلات مردم در کنار این فساد سیاســتمداران، باعث می‌شــود مردم این کشور احساس تبعیض کنند و خونشان به جوش آید. همان‌طور که برخی عالمان علوم اجتماعی متذکر می‌شوند، «این فقر نیست که منجر به شــورش می‌شود، بلکه احساس تبعیض است که شورش را می‌آفریند».

اما ماجرای اعتراضات اخیر در لبنان چیست؟ روزنامه انگلیسی «گاردین» در مقاله‌ای نوشته بود، التهابی بزرگ‌تر از آن‌چه «انقلاب سرو» نامیده می‌شد و سال ۲۰۰۵ میلادی لبنان را ملتهب کرد، حالا این کشور را در بر گرفته است. این اعتراضات بزرگ در لبنان طی ۱۴ســال گذشته کاملاً بی‌ســابقه بوده است و باعث تعطیلی‌های گسترده در این کشور شده است. شورشــی که دولت را ضعیف و اقتصاد تحت مدیریت دولت بیروت را بیش از پیش دچار فروپاشی خواهد کرد. ماجرای اعتراضات اخیر لبنان از آنجایی آغاز شــد که ۲۵ مهر پس از اعلام مواد مالیاتی جدید، مردم با اطلاع از بستن مالیات به مکالمات با یکی از برنامه‌ها تلفن همراه خشــمگین شدند. این مسئله حکم همان جرقه در انبار باروت را داشت و مردم خشمگین و سرخورده از تبعیض را به خیابان‌ها کشاند.

آن‌چه «گاردین» نوشــته و ما بخشی از آن را نقل به مضمون کردیم، شروع شدن اعتراضات اخیر لبنان را خوب و ســاده بیان کرده اســت، اما قیاس‌اش با ــ به اصطلاح ــ «انقلاب ســرو» که ســویه‌های ضد مقاومت داشــت، شــیطنت‌آمیز اســت که در ادامه متن، چرایی‌اش بیشتر روشن خواهد شد.

خطر نهفته در این اعتراضات

به هر حال هویداســت که اعتراضــات مردمی لبنان ریشــه‌اش چیست و چرا موجه اســت، اما این تمام ماجرا نیست، وقتی شورش‌های مردمی شکل می‌گیرد و اعتراضات، توده‌ای می‌شود، احساســات غلبه می‌کند و ممکن است جریان از مســیر اصلی‌اش منحرف شــود. حال موقعیت حساس لبنان در منطقه را در ذهن مرور کنید و دوباره به یاد بیاورید که پایگاه یکی از جریان‌های اصلی مقاومت، یعنی «حزب‌الله»، در لبنان است، حالا آیا امکان دارد که آمریکا، رژیم صهیونیستی، آل‌سعود و دیگر خصم‌هایِ جبههٔ مقاومت دست از ســر این اعتراضات بردارند و قصدِ ماهی‌گیری از آبی که این شورش‌ها گل‌آلود کرده‌اند را نداشته باشند؟

جریان‌هایِ خارجیِ خصمِ مقاومت و نزدیکان لبنانی‌شان همچون جریان‌های «ســمیر جعجع» و «ولید جنبلاط» فرصت را مغتنم می‌دارند و با ســوار شدن بر امواج به راه افتاده می‌کوشــند هم «حزب‌الله»را که توانســته بود در انتخابات پیشین و همچنین معادلات منطقه‌ای موفقیت‌های چشــمگیری به دســت آورد را تضعیف کننــد و نیز، اگر فرصت دست داد، شــکافی عمیق در لبنان ایجاد کنند و با درگیر کردن لبنان به جنگی داخلی، خطرِ لبنانی را که با «حزب‌الله» اولین شکســت رژیم صهیونیستی را به این رژیم تحمیل کرد، از ســر آن کم کنند. البته اگر ماجرا تا جنگ داخلی به پیش برود، برای جریانی که ما آن را جریان استکبار می‌خوانیم، بهترین گزینه خواهد بود.

> **جنبش حــزب‌الله لبنان هرچند از «سعد حریری» و تیم او، دل خوشی نــدارد و حتی مثل ســایر مردم مخالف فساد در ســاختار دولتی است، ولی این جنبش از اول تا آخر بحران جاری و اعتراضات خیابانی در این کشور، منافع ملی لبنان را در نظر داشته و حتی خواسته‌های حزب‌الله را نیز نادیده گرفته است.**

همچنین باید توجه داشــت که حتی طرح استعفای نخســت‌وزیر و انحــلال کابینــه، که برخی بــر طبل آن می‌کوبیدند، شــاید اسم رمزی باشــد برای تصفیه وزرای نزدیــک به جبهه مقاومت از دولت، که البته این اســتعفا محقق شــد. باید به پیشنهاد تشکیل کابینه جدید نیز که «سعد حریری» پیش از استعفایش می‌داد هم به دیده تردید نگریست که شاید بدلی بود برای همان طرح پیشین، یعنی استعفا. حالا «حریری» بدون آن‌که وضع موجود را توضیح دهد، خود را خلاص کرده و البته برای تصدی دوبارهٔ پُست نخست‌وزیری شرط هم تعیین کرده است!

هم‌زمان با همهٔ این‌ها رسانه‌های عربی با مطرح کردن نفوذ «حزب‌الله» در پروسه‌ای که بیشتر به شعبده می‌ماند، مسئولیت‌ها را به دوش جبهه مقاومت می‌اندازد، حتی برخی از آنان مدعی‌اند که دولت دولتِ «حزب‌الله» است، در حالی که سهم «حزب‌الله» چند وزیر است که باید در کشمکش با احزاب و افراد مخالفِ مقاومت بتوانند، مگر کاری کنند. حالا روشــن‌تر می‌شــود که قیاس گرفتن این اعتراضات با -به اصطلاح- «انقلاب ســرو» چرا شــیطنت‌آمیز است. حوالهٔ همهٔ مسئولیت‌ها به گردن «حزب‌الله» برای تضعیف جبهه مقاومت و دور کردن خطر آن از ســر صهیونیســم است. البته باید تأکید داشت «این تضعیف مقاومت و رفع خطر از صهیونیســم از معبر هــرج و مرج و جنگ داخلی لبنــان می‌گذرد، نه لزوماً تضعیف مســتقیم حزب‌الله که دشــوار می‌نماید» و در واقع «هدف به هم ریختنِ میدانِ عملِ حزب‌الله است، نه خود آنکه بیش از هر وقت دیگری قدرتمند است.» نتیجهٔ آن قربانی شدن کل لبنان است.

سخنرانی نصرالله پیش از استعفای حریری

بخشــی از صحبت‌های «سید حسن نصرالله» در سوم آبان، را در ادامه یادآور می‌شــویم که پیش از اســتعفای «حریری» صورت گرفت و پس از آن هم سخنان سید پس از اســتعفای نخست‌وزیر در ۱۰ آبان را با توجه به آن‌چه تا اینجا گفتیم و برخی نکات که در ضمن سخنان سید خواهیم آورد، بهتر فهمیده خواهد شد. با سخنان رهبر حزب‌الله روند تحولات و آینده آن در لبنان برای ما قابل فهم‌تر خواهد بود.

دبیرکل حزب الله لبنان ســخنرانی نخستش در مورد وقایع اخیر را چنین آغاز کرد: «کما این‌که پیشــتر گفته بودیــم، اعتراضات در لبنان، تحــرکات مردمی فراحزبی و فرامنطقه‌ای و بیانگر دردهای مردم است».

او گفت که همه مسئولیت دارند که مسالمت‌آمیز بودن ایــن تحرکات و اعتراض‌ها را حفظ کنند؛ آنچه در روزهای اول اعتراض‌ها در لبنان رخ داد، دستاوردهای مثبت زیادی محقق کرد. اگر مقاومت اســلامی لبنان تصمیم به ورود به این اعتراض‌ها می‌گرفت، این اعتراض‌ها مســیر دیگری به خود می‌گرفت ولی مصلحت این اعتراض‌ها در این بود که به دور از احزاب سیاسی باشد.

البته او با انتقاد از نوع پوشــش رسانه‌ای اعتراض‌ها در لبنان، از ســوی برخی کشورها گفت که برخی از بوق‌ها و رســانه‌های عربی از روز اول تلاش کردند که این مســئله را القــا کنند که دبیرکل «حزب‌الله» لبنــان معترضان را «تهدید» کرده است. او با رد این ادعا در ادامه گفت: «ما از معترضان لبنانی خواستیم که به احزاب اجازه ندهند بر موج اعتراض‌های مردمی سوار شده و از آن سوءاستفاده کنند».

او گفت که یکی از دســتاوردهای مثبت اعتراض‌ها در لبنان که باید همه از آن صیانت و حفاظت کنند، درک این است که مسئلهٔ بودجه در لبنان مسئلهٔ کوچکی نیست، بلکه بسیار مهم است. سید با بیان اینکه «سند اصلاحات دولت» با فشــار اعتراض‌های مردمی صادر شد، گفت که این سند اولین گام رو به جلو دولت برای اصلاحات اســت. او ادامه داد: «در تاریخ دولت‌های لبنان ســراغ ندارم که این همه تصمیمات با جدول‌های زمانی مشخص صادر شود. این از دســتاوردِ تحرکات مردمی بود». دبیرکل حزب‌الله لبنان گفت قانون اســترداد اموال غصب و چپاول شــده در سند اصلاحات دولت از مهم‌ترین تصمیماتی اســت که در این سند آمده است. (تا اینجا عمده سخنان سید متوجه وجوه مثبت این تظاهرات اســت، گرچه از نحوه پوشش خبرها توسط رسانه‌های عربی انتقاد می‌کند؛ اما در سخنانش که پس از این خواهد آمد نسبت به انحراف اعتراضات و نحوه جلوگیری از آن تذکراتی جدی می‌دهد)

او در ادامــه در نکاتــی تأمل‌برانگیز گفت، بر اســاس داده‌هایی که به دســت آمده، برخی از احزاب و قدرت‌های داخلی لبنان به دنبال تخریب تظاهرات هستند. او همچنین از معترضان هر منطقه خواست برای خود سخنگویی انتخاب کرده و به دیدار «میشل عون»، رئیس‌جمهور لبنان، بروند و تأکید کرد این به معنای تقاضا برای پایان دادن به اعتراضات نیست. چنانکه خود او اشاره می‌کند، این کار برای آن است که جلوی سوءاستفاده‌گران گرفته شود.

او درخصوص ایجاد خلأ قدرت در لبنان نیز هشدار داد و گفت، چنین خلأیی می‌تواند به هرج و مرج و فروپاشــی منجر شود. او تأکید کرد که ما از کشور در برابر خلأیی که می‌توانــد به این بی‌انجامد، حفاظت می‌کنیم. خلأ قدرت، تنــش و هرج و مرج در لبنــان می‌تواند منجر به بی‌ثباتی امنیتی تبدیل شود. او گفت که حزب‌الله لبنان با استعفای دولت و برگزاری انتخابات زودهنگام موافق نیست. (اشاره سید به همان استعفای دولت و خطرات آن است که پیشتر متذکر شدیم)

وی با بیان اینکه ما به دنبال حمایت از کشور در برابر خلأ قدرت هستیم تأکید کرد «من اول کسی بودم که گفتم تظاهرات در لبنان خودجوش است». او در فراز پر اهمیتی از سخنانش گفت: «من نظریه وجود توطئه پیش اعتراض‌های اخیــر را رد می‌کنم ولی در روزهای اخیر اطلاعاتی که به دســت آمده است، نشــان می‌دهد که لبنان در فهرست کشورهایی قرار گرفته است که به دنبال ضربه زدن به آنها هستند». او در مورد احتمال وجود برخی سناریوها و توطئه‌ها هشدار داد و گفت: «کسی که می‌گوید چنین [سناریوی] نیست بیاید و ما را خاطر جمع کند. من نگران مقاومت در لبنان نیستم بلکه نگران کشورم». او تأکید کرد، این نگرانی وجود دارد که برخی به دنبال ســوق دادن اعتراضات لبنان به ســوی جنگ داخلی باشند و ببینید که اکنون در عراق چه می‌گذرد؟ (در واقــع احتمال ارتباط این دو را برای به هم ریختن منطقه مطرح می‌کند)

سخنرانی نصرالله پس از استعفای حریری

دبیرکل حزب الله در واپســین ســخنرانی‌اش تأکید کرد: «تا کنون هیچ دولتی به نام دولت حزب‌الله در لبنان تشکیل نشــده و آن‌هایی کــه از چنین عباراتی اســتفاده می‌کنند می‌خواهند تمامی ناکامی‌ها را به نام حزب الله بزنند و زمانی که ما می‌گفتیم دولت نباید اســتعفا دهد، نگران حزب‌الله یا مقاومت نبودیم. مــا بیش از هر زمان دیگری و در هر بُعدی قدرتمند هستیم. ما هنوز برگ برنده‌های خود را رو نکرده‌ایم و نباید در مواضعی که تا کنون گرفته‌ایم دچاراشــتباه شوید. تمامی مواضع ما به علت نگرانی برای لبنان است».

او با اشاره به استعفای «سعد الحریری»، گفت که حزب‌الله از ابتــدا گفته بود که این اســتعفا را تأیید نمی‌کند و باید به سخنان مردم گوش داده شود. پیشنهاد حزب‌الله این بود که دولت با نمایندگان مردم جلسه بگذارد و قوانینی برای مبارزه با فساد و آزادی بازداشت شدگان تصویب شود و مردم برآورده شدن مطالبات خود را حس کنند.

سید حســن نصرالله تغییرات در کابینه را نیز غیر مفید دانست و گفت که این گزینه می‌تواند لبنان را به سمت خلأ سیاسی و آشفتگی سیاسی ببرد. او همچنین بار دیگر تأکید کرد: «حزب‌الله هرگز به دنبال منافع خود نیست و هم و غم‌اش منافع لبنان است اما متأسفانه سعد حریری استعفا داد. باید گفت خب حالا چه؟ دیگر طرحی تصویب نمی‌شود. عفو عمومی دیگر در کار نیســت. چه خواهد شد؟ چه دولتی باید بودجه ۲۰۲۰ را تدوین و به تصویب برساند؟ آیا این راه‌حل شما بود؟»

دبیرکل حزب‌الله لبنان در ادامه با احتمال تشکیل دولتی کوچک‌تر در لبنان، از تمامی مردم و گروههای سیاسی خواست تا تمامی تلاش خود را برای همکاری با این دولت به کار گیرند و گفت امروز یک مسئولیت سیاسی بر گردن تمامی گروههای سیاسی و مردم اســت که نباید بگذارند لبنان به سمت خلأ سیاســی رود و هر دولتی که می‌خواهد تشکیل شود باید در ابتدا به مطالبات به حق مردمی گوش دهد. (چنان‌چه مشخص است، تأکید مکرر سید به پرهیز از آشفتگی سیاسی است که کل لبنان را به ورطه هرج و مرج خواهد انداخت)

او به ریاکاری برخی گروه‌های سیاسی‌اشاره کرد و گفت: «پس از اعتراضات مردمی همگی گفتند که مطالبات مردمی خواســته ما نیز بود. خب چرا مشــکلی حل نمی‌شد؟ مردم دیگر فریب نمی‌خورنــد. دولت جدید باید جدیت و پرتلاش باشد. دولت جدید هر نامی داشته باشد مردم از او انتظار کار کردن دارند».

نصــرالله در بیان نقــش آمریکا در لبنــان گفت که این کشــور تلاش دارد اقتصاد لبنان را هــدف قرار دهد و تأکید کرد که این مســئله یک اتهام سیاســی نیست بلکه مدارک آن موجود است. او گفت که آمریکا تمامی راه‌ها را برای حل بحران‌های اقتصادی لبنان بســته است و مانع از این می‌شود که لبنانی‌ها از مشــکلات خود خارج شــوند و به فشارهای خود به لبنان در جهت تحمیل شــروط خود در آینده ادامه می‌دهــد در حالی که تمامی مردم لبنان به دنبال اســتقلال سیاسی هستند.

فرجام بحث

در پــایــان باید یادآور شویــم که سخنان «سید مقاومت» در مورد خطر فروپاشی، حتی‌اشاره به این‌که فروپاشی لبنان -در حالی که طرح شکست ایران ناممکن شده است- می‌تواند برنامه جایگزین دشــمنان برای ضربه به مقاومت باشد، همه ذهن را متوجه خطرات پیش روی لبنان و اعتراضات مردمی آن می‌کند، جهان اسلام باید متوجه و نگران تحولات اخیر لبنان و نیز عراق باشــد. همچنانکه خود رهبر حزب‌الله تأکید دارد، باید تهدید اصلی هرج و مرج در لبنان را (حتی وقتی نیت دشــمنان زدن جبهه مقامت اســت) متوجه خود کشور لبنان دانست، چراکه «حــزب‌الله» به هر حال خود را حفظ می‌کند، اما این لبنان و مردم آن هستند که قربانی جریان استکبار خواهند شد.

عملیات ترکیه در شمال سوریه و ۳ سناریوی پیش رو

محمدرضا فرهادی

ترکیه بر اســاس نگاه نوعثمانی‌گرای خود به مسائل منطقــه و به همســایگان خود همــواره تنش‌هایی را با کشورهای پیرامونی‌اش داشته است. اگرچه سند امنیت ملــی ترکیه ایــن ادعا را رد کرده و اصــل تنش‌زدایی با همســایگان را مطرح می‌کند، اما اقدامات آنکارا مصداق همان تحت اســتعمار قراردادن کشــورهای پیرامون و احیای امپراطوری عثمانی است. همین دیدگاه منجر به بروز تنش‌هایی در سیاست خارجی ترکیه با سایر بازیگران منطقه‌ای همچون کردها شده است.

کردستان سوریه

کردستان سوریه بر اساس سه کانتون یا بخش، متشکل از کانتون عفرین، کوبانی و جزیره (شامل مناطقی از حسکه و قامشلی) تشکیل شده است. مناطق مورد ادعای کردهای سوریه شامل سه استان حلب، رقه و حسکه است. بنابراین کردها مناطق مرزی و شمالی کشور سوریه را در نظر دارند. منطقه کردستان سوریه سرشار از منابع نفتی است. منطقه نفتی شــدادی که دومین ذخایر منابع در سوریه بعد از جبل‌الشاعر است و همچنین میادین نفتی مهم رمیلان و جبسه از مناطق مهم در حوزه ادعایی کردهاست.

اهداف ترکیه

ترکیه در شمال سوریه بر اساس همان راهبرد دفاع از مرزها و بازدارندگی سیاست نظامی و امنیتی خود را تبیین کرده اســت. طبق این راهبرد ابتدا در سال ۹۷ به عفرین حمله کرد و اکنون عملیات «چشــمه صلح» را در شمال سوریه با وسعت گسترده‌تری انجام داده است. در نتیجه می‌توان اهداف ترکیه در شمال سوریه و همچنین چرایی حمله اخیر به این مناطق را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- در مرحله اول ترکیه به دنبال سرکوب و تضعیف کردها برای استقلال یا خودمختاری است. راه‌حل آنکارا نیز بر تضعیف قدرت نظامی‌کردها به‌عنوان مکمل قدرت سیاسی آنهاست. با عدم حمایت آمریکا از کردها، ترکیه شــرایط را برای انجام اقدامات علیــه کردها در تضعیف قدرت نظامی آنها و به تبع قدرت سیاسی‌شان مساعد دید.

۲- با توجه به تضعیف قــدرت نظامی‌کردها، آنکارا اکنون به از هم‌گسیختگی بستر فکر می‌کند. ترکیه اکنون با این حملات به‌دنبال قطع کانتون‌های کردی سوریه با یکدیگر است. با حمله به عفرین، کانتون سوم کردی و با حملــه اخیر دو کانتون جزیره و کوبانی نیز از هم جدا خواهند شد.

۳- با ایجاد گسست در مناطق کردی، ترکیه وارد فاز چهارم خود یعنی اســکان افرادی غیر از کردهای کنونی می‌شود. بر اساس طرحی که ترکیه مدنظر قرار داده است، کردهای سوریه باید از منطقه امن اخراج و حدود دو میلیون عرب سوری به جای آنها اسکان داده شــوند. در این منطقه ۱۰ شهر ساخته می‌شود که در هر کدام ۳۰ هزار نفر اسکان می‌یابند. هر شهر نیز ۱۴۰ روستای تابع دارد که در هر یک از آنها ۵۰۰۰ نفر ساکن خواهند شد. در این شهرها و روستاها هم ده‌ها مدرسه و یک دانشگاه و چند مسجد و تعدادی بیمارستان و چند ورزشگاه و شهرک صنعتی و کشاورزی ساخته خواهد شد. هزینه ایجاد این مجموعه حدود ۲۵ میلیارد دلار است که آنکارا آن را از کمک‌های بین‌المللی تأمین خواهد کرد. با این اقدام ترکیه ارتباط کردهای ترکیه و کردهای ســوریه قطع شود. البته به این نکته باید توجه کرد که گروه‌های تروریســتی همچون ارتش آزاد که با ترکیه در عملیات شمال همراهی می‌کنند، یک بازی دوســر باخت است که ترکیه از یک‌سو با تهدیدات امنیتی از جانب این گروه‌ها مواجه خواهد شد و از سوی دیگر این گروه‌ها نشان داده‌اند که به دنبال تشکیل منطقه‌ای خودمختار و مستقل برای تشکیل همان دولتی غیرقانونی متشکل از ارتشی‌های فراری و برخی جریان‌های سیاسی هستند.

> **ترکیــه در چارچوب توافقات آســتانه اکنون با ایران و روســیه همــکاری دارد و چنانچــه عملیات شــمال ســوریه ادامه‌دار شــود، احتمال تغییــر رویکرد این دو کشــور نیز وجــود دارد.**

۴- تسلط بر مناطق استراتژیک کانتون‌های کردی. جاده ترانزیت و استراتژیکی در عمق ۳۰ کیلومتری از مرزهای ترکیه وجود دارد به نام «ام- ۴» که از شمال شرق سوریه آغاز شده به ســواحل دریای مدیترانه و بندر لاذقیه می‌رســد و این جاده نباید در اختیار کردهای ســوریه قرار گیرد. دلیل آن این اســت که جاده مزبور از مرزهای عراق شروع شده و از شهرهای حومه حسکه، عین عیسی، منبج، الباب، حلب، ادلب، جسرالشغور و لاذقیه عبور می‌کند. این امر به منزله یک کریدور مهم برای مناطق کردی عراق و ســوریه است که دسترسی آنها به دریای مدیترانه را فراهم می‌کند.

۵- تسلط بر منابع انرژی این منطقه.

سناریوها

در رابطه با عملیات اخیر می‌توان ســه ســناریو را برحسب محتمل بودن، به‌ترتیب زیر عنوان کرد:

۱- رسیدن ترکیه به اهداف خود. این سناریو بنابر دلایل زیر غیرمحتمل است:

الف) ترکیه هدف خود را تغییر بافت جمعیتی مناطق شمالی قرار داده، اما با اسکان نزدیک به سه و نیم میلیون نفر در شمال سوریه، آنکارا نمی‌تواند این بافت جمعیتی را به نفع خود تغییر دهد. زیرا همچنان قشــر وسیعی از مردم این مناطق، همــان هویت متضاد با ترکیه را دارا هستند.

ب) ترکیه از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار نیست و تنهــا حامی آن که دولت آمریکا بود، اکنون از اقدامات تنبیهی استفاده کرده است.

ج) مقاومت کردها در مناطق عملیاتی و جلوگیری از پیشروی نیروهای ترکیه. از منظر ترکیه جنگ فراگیر در بحبوحه پیشروی وسیع اصلی‌ترین هدف ترکیه است.

۲- شکست ترکیه. این سناریو نیز تاحدود زیادی بنابر دلایل زیر غیرمحتمل‌تر از سناریوی قبلی است:

الــف) ترکیــه تاکنون بــه برخی اهــداف خود در شــمال ســوریه همچون تصــرف راس‌العین رســیده و توانســته تا عمــق ۱۵ کیلومتری شــمال ســوریه نفوذ کند.

ب) ترکیه چنانچه با مشکلاتی در انجام عملیات روبه‌رو شــود، قبل از هرگونه شکست وارد فاز سیاسی و توافقات چندجانبه با محوریت سازمان‌های بین‌المللی خواهد شد.

۳- توافق با دولت ســوریه. این سناریو بنابر دلایل زیر محتمل‌ترین گزینه است:

الف) ترکیه و ســوریه در ســال ۱۹۹۸ بــا توافق آدانا دربــاره مناطق شــمالی و انجام عملیات توســط ترکیه تــا عمق پنــج کیلومتری مناطق شــمالی انجام شــده و ایــن امــر می‌توانــد دوبــاره از ســوی این کشــورها اتفاق بیفتد.

ب) حضــور دولت ســوریه در مناطق شــمالی منجر بــه درگیــری دو بازیگر با هم خواهد شــد؛ این در حالی اســت که‌ترکیه هدف خود را مبارزه بــا کردها قرار داده اســت. بنابرایــن حضور ارتش ســوریه در ایــن مناطق منجــر به تغییر رویکرد ترکیه از ابعاد نظامی به سیاســی خواهد شد.

ج) این ســناریو مــورد توافق ســایر بازیگران دخیل در بحران ســوریه همچون ایران و روســیه است. ترکیه درچارچــوب توافقــات آســتانه اکنون با این کشــورها همــکاری دارد و چنانچــه عملیــات شــمال ســوریه ادامه‌دار شــود، احتمال تغییر رویکرد این دو کشــور نیز وجود دارد.

منبع: بصیرت